

# برنامه حزب توده ایران

## پیشگفتار

اندیشه های مارکسیستی در جنبش آزاد بیخش ملی میهن ما ، از نقش و اهمیت ویژه ای برخوردار هستند . ده ها سال تجربه انقلابی و فعالیت حلاق ایدئولوژیک - سیاسی و سازمانی گروه های سوسیال دمکرات ایران در میان کارگران و زحمتکشان ، زمینه تشکیل حزب طبقه کارگر ایران را فراهم ساخت و سرانجام کنده حزب سوسیال دمکرات کارگری ایرانیان "عدالت" که در آخر خرداد و اوایل تیر ماه ۱۲۹۹ در انزلی برگزار شد ، موجودیت حزب کمونیست ایران را رسماً اعلام کرد .

حزب کمونیست ایران در اشاعه افکار مارکسیستی - لنینیستی ، تربیت کادرهای انقلابی و هدایت مبارزات عملی طبقه کارگر جوان ایران ، تکامل جنبش آزاد بیخشم ملی و بسط افکار و اندیشه های دمکراتیک تاثیر نیرومندی برجای نهاد و صفحات درخشانی را در تاریخ معاصر ما گشود .

در سال های جنگ جهانی دوم و پس از آن ، جنبش آزاد بیخشم ملی و دمکراتیک در میهن ما دامنه گسترده ای یافت . تشکیل حزب توده ایران ، به مثابه ادامه دهنده بلاواسطه راه حزب کمونیست ایران در دهم مهر ماه ۱۳۲۰ ، بدون شک یکی از مهمترین پدیده های اجتماعی - سیاسی تاریخ معاصر کشور ما است . حزب توده ایران حامل ایدئولوژی و جهان بینی علمی مارکسیستی - لنینیستی و سنت های کرانه ای مبارزاتی حزب کمونیست ایران است و گروهی از کادرهای حزب کمونیست ایران با شرکت فعال در پایه گذاری و سازماندهی آن ، تداوم فعالیت انقلابی کمونیست های ایران را تامین کردند .

در سال های ۱۳۲۴ - ۱۳۲۵ همزمان با اوج گیری جنبش ملی و دمکراتیک در آذربایجان و کردستان ، فرقه دمکرات آذربایجان و حزب دمکرات کردستان بنیاد گذاشته شدند و به مبارزه قهرمانانه ای برای مصالح خلق دست زدند .

در سال ۱۳۳۹ در "کنفرانس وحدت" مساعی کمیته های مرکزی حزب توده ایران و فرقه دمکرات آذربایجان در راه تامین وحدت رهبری و سازمانی حزب طبقه کارگر به موفقیت انجامید . کنفرانس موافقت کرد که حزب طبقه کارگر در سراسر ایران به نام "حزب توده ایران" اعلام گردد ، کمیته مرکزی حزب مرکز واحد رهبری کلیه سازمانهای حزب طبقه کارگر در ایران باشد و سازمان واحد طبقه کارگر در آذربایجان با حفظ نام "فرقه دمکرات آذربایجان" دارای کمیته مرکزی خود ، با حقوق

کمیته ایالتی باشد .

در شرایط کنونی حزب توده ایران وحدت سازمانی همه نیروهای پیرو سوسیالیسم علمی را بخاطر رشد و گسترش همه جانبه جنبش کمونیستی و کارگری کشور و تامین نقش رهبری طبقه کارگردر نهضت انقلابی ضرور می داند و در این راه از هیچ تلاشی فروگذار نمی کند .

## جهان بینی و مشی سیاسی حزب

جهان بینی حزب توده ایران ، جزب طراز نوین طبقه کارگر ایران ، مارکسیسم - لنینیسم است و هدف های نزدیک و دور و مشی سیاسی و سازمانی آن از انطباق این جهان بینی علمی و انقلابی بر شرایط ویژه جامعه ایران ناشی می شود .

هدف غائی حزب ، استقرار سوسیالیسم و کمونیسم برای پایان دادن به بهره کشی فرد از فرد ، تامین آزادی و دموکراسی و شکوفایی شخصیت توده های زحمتکش است . تنها در چارچوب چنین نظامی با ارتقاء سطح رفاه عمده ، توسعه فرهنگ و گسترش مناسبات عمیقاً انسانی امکان رشد آزاد و همه جانبه استعداد ها فراهم می شود . تجربه کشورهای سوسیالیستی امکان تحقق اصول انسانی عادلانه را به ثبوت رسانده است .

جنبش جهانی کمونیستی پیشاهنگ گردانهای گوناگون روند انقلابی جهان است . کمونیست ها در عین حال برای تحقق خواست های نزدیک و دور طبقه کارگر و تمام زحمتکشان ، از جمله پیشرفت اجتماعی ، صلح ، خلع سلاح و امنیت عمومی مبارزه می کنند . امروز هم مانند گذشته ، طبقه کارگر نیروی انقلابی عمده دوران ما را تشکیل می دهد . در جهان سرمایه داری ، طبقه کارگر آن نیروی اساسی است که برای متلاشی کردن نظام بهره کشی و ساختن یک جامعه نوین بیکار می کند . در کشورهای آسیا و آفریقا و آمریکای لاتین ، طبقه کارگر در حال رشد زیر فشار د و جانبه سرمایه خارجی و سرمایه داخلی قرار دارد و علیه آنها مبارزه می کند و در جریان این مبارزه رشد سیاسی و درجه سازمان پذیری آن افزایش می یابد .

برخاسته از این واقعیت ، حزب توده ایران در راه رشد آگاهی سیاسی و اجتماعی و شناساندن سوسیالیسم به توده های زحمتکش و در درجه اول طبقه کارگر و آماده ساختن این طبقه برای انجام رسالت تاریخی خویش مبارزه می کند .

حزب توده ایران مدافع پیگیر و سرسخت استقلال سیاسی و اقتصادی و تمامیت ارضی کشور و منافع واقعی توده های زحمتکش و دارای ریشه های عمیق خلقی است . میهن پرستی از دیدگاه حزب ما ، خواست سعادت مردم ، علاقه پر شور به رشد و پویایی فرهنگ ملی و سرنوشت حال و آینده خلق های ایران است .

حزب توده ایران بنابه ماهیت طبقاتی و جهان بینی و خصلت میهن دوستانه خود به اصل انترناسیونالیسم پرولتری پایبند است و اعتقاد دارد که میهن پرستی و انترناسیونالیسم پرولتری با یکدیگر پیوند جدایی ناپذیر دارند . ایجاد جامعه

سوسیالیستی در کشور ما مهمترین وظیفه ملی و انترناسیونالیستی حزب توده ایران است . در همان حال ، حزب توده ایران دفاع از سیستم جهانی سوسیالیسم ، جنبش کمونیستی و کارگری در جهان سرمایه داری و جنبش های آزاد بیخشم ملی و ضد امپریالیستی را از جمله وظایف انترناسیونالیستی خود می داند . انترناسیونالیسم پرولتری از نظر حزب ما عبارت است از پیوند جدایی ناپذیر همبستگی انقلابی و شناخت استقلال کامل و برابری حقوق هر حزب .

حزب توده ایران تاثیر متقابل عوامل داخلی و خارجی را در جنبش انقلابی در نظر می گیرد ، اما برآنست که عامل داخلی ، یعنی سطح رشد ایدئولوژیک - سیاسی نیروهای انقلابی ، در رجه شکل و استواری حزب طبقه کارگر ، جلب توده های خلق بسه مبارزه و تناسب نیروهای طبقاتی نقش تعیین کننده را دارد .

خصیت و مضمون اساسی دوران ما گذار از سرمایه داری به سوسیالیسم و کمونیسم و مسابقه تاریخی دو سیستم اجتماعی - سیاسی جهانی است . دوران ما ، دوران انقلاب های سوسیالیستی و آزاد بیخشم و تلاشی سیستم استعماری امپریالیسم ، دوران مبارزه نیروهای محرکه عمده پیشرفت اجتماعی ، یعنی سوسیالیسم جهانی ، جنبش کارگری و کمونیستی بین المللی و نیز نهضت های دمکراتیک توده های علیه امپریالیسم و در راه دمکراسی و پیشرفت اجتماعی و صلح است . بر پایه این واقعیت ، حزب توده ایران مبارزه خلق های ایران در راه آزادی ، استقلال و پیشرفت اجتماعی را از مبارزه سایر خلق های جهان در این راه جدا نمی داند ، بلکه آنرا حلقه ای از یک زنجیر و جزئی از یک کل واحد تلقی می کند .

حزب توده ایران عضو وفادار خانواده بزرگ احزاب کمونیستی و کارگری است و بر آنست که تنوع موجود در جنبش کمونیستی و کارگری به هیچ وجه به معنی جدایی میان آنها نیست ، کما اینکه وحدت و یگانگی نیز به هیچ وجه به معنی برتری حزبی بر حزب دیگر و یا مداخله آنها در امور داخلی هم نبوده و نیست .

نیروی جنبش کمونیستی و کارگری از برخورد خلق به واقعیت ها بر پایه آموزش جهانشمول مارکس ، انگلس و لنین ، از همبستگی طبقاتی احزاب کمونیستی و کارگری ، همکاری برابر حقوق در مبارزه در راه هدف های مشترک یعنی صلح و سوسیالیسم سرچشمه می گیرد .

حزب توده ایران از اصول انقلابی مارکسیسم - لنینیسم دفاع می کند و بر ضد هر کوششی برای نادیده گرفتن و انحراف از اصول حیاتی آموزش مارکس ، انگلس و لنین به خاطر جلوگیری از تضعیف جنبش کمونیستی و کارگری ، قاطعانه مبارزه خواهد کرد . حزب توده ایران با توجه به دگرگونی های چند دهه اخیر جهان ، ویژگی های اصلی مرحله کنونی روند انقلاب جهانی را چنین ارزیابی می کند که تناسب نیروها در عرصه جهانی ، به سود خلق هایی که در راه پیشرفت اجتماعی ، دمکراسی ، آزادی ملی و صلح مبارزه می کنند ، تغییر یافته است و سرنوشت صلح و پیشرفت اجتماعی با پویایی سطح رشد

اقتصادی - سیاسی سیستم جهانی سوسیالیسم پیوند مستقیم دارد . جامعه کشورهای سوسیالیستی ، در راس آن اتحاد شوروی به چنان نیروی عظیمی تبدیل کرده است که بدون شرکت آن حل هیچ يك از مسایل جهانی امکان پذیر نیست .

## مشخصات عمده اوضاع جهان و ایران

### الف- جهان

در دوران کنونی ، بین سیستم جهانی سوسیالیسم ، کدورها و نیروهای ترقی خواه و صلح دوست از یکسو و دولت های امپریالیستی و متحدان واپسگرا و جنگ طلب آنها - از سوی دیگر ، تضاد های حادی وجود دارد . در این میان ، حفظ و تحکیم پایه های صلح و امنیت عمومی ، پایان بخشیدن به مسابقه تسلیحاتی به مثابه سرچشمه مدّه تهدید نظامی ، یعنی تدارک مادی جنگ ، گسترش دامنه روند تشنج زدایی و خشکاندن ریشه خطر جنگ هسته ای که موجودیت انسان را تهدید می کند ، عاجل ترین ، حاد ترین و مهمترین مساله جامعه انسانی است .

اتحاد شوروی و دیگر کشورهای سوسیالیستی همه قدرت و امکان های اقتصادی ، سیاسی ، فنی و فرهنگی و مجموعه تجربه های پر ارزش خویش را بیدریغ در راه حفظ و تحکیم صلح و پیشبرد امر سوسیالیسم و پیروزی جنبش های آزاد بیخشم ملی بکارگرفته اند . مبارزه در راه صلح و مبارزه در راه سوسیالیسم جدایی ناپذیر هستند .

کشورهای سوسیالیستی ، علیرغم دشواریها و موانعی که امپریالیسم در سر راه تکامل آنها پدید آورده است و پدید می آورد ، وظایف خود را در زمینه پیشرفت و توسعه اقتصاد ، اعتلای رفاه اجتماعی و ارتقای سطح دانش و فرهنگ با کامیابی انجام می دهند و به عنوان نیروی عمده نبرد ضد امپریالیستی روز بروز شکوفاتر می شوند . توازن نظامی - استراتژیک میان اتحاد شوروی و ایالات متحده آمریکا یکی از بزرگترین دستاوردهای سوسیالیسم بشمار می رود .

سراسر تاریخ سرمایه داری عبارت از تاریخ تعمیق تضاد اصلی آن ، یعنی تضاد میان خصلت اجتماعی تولید و شکل تصاحب خصوصی محصول ، تولید سرمایه داری است . بحران عمومی سرمایه داری در همه زمینه های ایدئولوژیک ، اجتماعی ، سیاسی ، اقتصادی و فرهنگی تشدید شده است . این بحران به ویژه موجب رشد و گسترش بیکاری ، دمفزون به مثابه يك معضل غیر قابل حل و تشدید فقر - معروف به "فقرنو" - در جهان سرمایه داری گردیده است . بحران در عرصه های اجتماعی - اقتصادی جوامع سرمایه داری تشدید می شود و این نظام ناتوانی خود را در حل مسایل و محضلات بخرننج اجتماعی و ایجاد جامعه های فارغ از بحران بیش از پیش نشان می دهد . همه این عوامل موجب تشدید بازم بیشتر تضاد های طبقاتی در کشورهای سرمایه داری شده است . امپریالیسم جهانی به سرکردگی امپریالیسم تجاوزگر آمریکا که سیاست سابقه



تسلحاتی هسته‌ای و کساندن آن به فضای کیهانی را در پیش گرفته است ، با تمام قوا می‌کوشد تا ضمن تضعیف مواضع سوسیالیسم در جهان ، جنبش‌های آزاد بیخشم ملسی را سرکوب کند .

امپریالیسم از رژیم های فاشیستی ، نژاد پرست ، ارتجاعی و تروریست در سراسر جهان حمایت می‌کند . امپریالیسم آمریکا به خود حق می‌دهد که برای مداخله در امور داخلی دیگر کشورها از قدرت نظامی استفاده کند .

توطئه های امپریالیسم و متحدان واپس‌گرای آن در منطقه خلیج فارس ، خاور میانه و نزدیک ، آمریکای لاتین و آفریقای جنوبی گواه بر این واقعیت است . محاصره اقتصاد ی ، فشارهای دیپلماتیک ، تهدید های نظامی و ایجاد کانون های جنگ منطقه‌ای ، جنگ روانی - تبلیغاتی از جمله ابزارها و شیوه های رایج امپریالیسم در رویارویی با کشورهای نواستقلال است .

امپریالیسم مسئول ایجاد شکاف ژرف میان سطح رشد اقتصادی کشورهای سرمایه داری صنعتی و اکثر کشورهای نواستقلال است .

علیرغم توطئه های امپریالیسم ، مبارزه خلقها اوج تازه‌ای می‌گیرد . سیاست نواستعماری امپریالیسم در آسیا و آفریقا و آمریکای لاتین دچار بحران شده و کشورهای نواستقلال نبرد پر امدت‌ای را برای دستیابی به استقلال اقتصادی آغاز کرده اند . کمونیست ها در این کشورها در راه آزادی ، استقلال ملی و نهایتا استقرار سوسیالیسم پیکار می‌کنند و به مثابه رزمندگان پیگیر جنبش‌های انقلابی و ضد امپریالیستی پیشاپیش توده‌های عظیم زحمتکشان قرار می‌گیرند .

کمونیسم ستیزی و هسته اصلی آن شوروی ستیزی ، حربه عمده امپریالیسم و ارتجاع برای بی‌اعتبار ساختن جهان بینی مارکسیسم - لنینیسم و دستاورد های شگرف سیستم جهانی سوسیالیسم است . این حربه بیش از پیش‌کنند می‌شود و توده های مردم به ماهیت مردم‌فریبانه آن بیشتر پی می‌برند .

## ب- ایران

انقلاب بهمن ۵۷ ، انقلابی خلقی ، ضد استبدادی ، ضد سلطنتی و ضد امپریالیستی بود و به درستی به مهم‌ترین رویداد سیاسی - تاریخی معاصر کشور ارزیابی می‌شود . مهم‌ترین خواست های توده های میلیونی کارگران ، دهقانان ، پیشه‌وران ، روشنفکران آزاد بخواه و مترقی میهن ما که بار اصلی انقلاب را بر دوش کشیدند ، در موارد زیرین خلاصه می‌شد :

۱ - سرنگون کردن رژیم سلطنتی ، پایان دادن به سیطره امپریالیسم و دستیابی به استقلال سیاسی و اقتصادی ؛

۲ - اجرای اصلاحات دمکراتیک بنیادی در تمام زمینه های سیاسی ، اجتماعی و اقتصادی و فرهنگی به سود نیروهای شرکت‌کننده در انقلاب ، به ویژه کارگران و دهقانان

و دیگر زحمتکشان شهر و روستا .

در پی پیروزی انقلاب بهمن ۵۷، رژیم استبدادی شاه سرنگون گردید .  
حاکمیت جدید در ابتدا ، از جمله به اقدامات زیر دست زد :

اخراج مستشاران آمریکایی و برچیدن پایگاه های نظامی و جاسوسی آمریکا در ایران ، ملی کردن ۷۰ درصد صنایع بزرگ متعلق به سرمایه داران بزرگ داخلی و انحصار های خارجی و در اختیار گرفتن حدود ۶۰۰ موسسه صنعتی کوچک توسط دولت ، ملی کردن بانک های خصوصی و بیمه ها با مشارکت سرمایه های داخلی و انحصاری خارجی ، تصویب قانون اصلاحات ارضی مشهور به بند "ج" و "د" ، افزایش حداقل دستمزدها از ۲۱۷ ریال به ۵۶۷ ریال ، سیادت دولت در بازرگانی خارجی ، الغای قرارداد های اسارتبار اقتصادی با دول امپریالیستی ، خروج ایران از "پیمان سنتو" و پیوستن آن به جرگه کشورهای غیر متعهد ، کانلمپکن اعلام کردن قرارداد نفتی سال ۱۹۷۳ منعقد شده میان کنسرسیوم بین المللی و شرکت نفت ایران .

ولی ، انقلاب بهمن در نتیجه عدول آشکار رهبران مرتجع جمهوری اسلامی از آماج های ضد امپریالیستی و مردمی انقلاب ، نتوانست موانع پیشرفت اجتماعی را از عرصه سیاسی و اجتماعی کنار بزند و گام های اساسی به سود توده های میلیونی زحمتکشان بردارد . آماج های ملی و مکرانیک انقلاب تحقق نیافت و تا تمام ماند . در نتیجه انقلاب تحسرك و پویایی خود را از دست داد و گام به گام به عقب نشست و دستاوردهای آن همچنان یکی پس از دیگری مثله و نابود می شود .

بحران اقتصادی ، اجتماعی ، سیاسی ، فرهنگی ، نظامی و ایدئولوژیک عمیق کشور ما را فرا گرفته است . رژیم عملاً سیاست تمرکز زمین و دیگر وسایل تولید در دست اقلیت بزرگ مالکان و کلان سرمایه داران را در پیش گرفته است . در چارچوب چنین جامعه های حکومت بنا به ماهیت طبقاتی خود شرایط تشدید بهره کشی و در تحلیل نهایی وابستگی به امپریالیسم را مهیا می سازد . این راه به هر اسم و به هر عنوان و زیر هر پوششی از جمله "اقتصاد اسلامی" ارائه شود ، جز راه رشد سرمایه داری نیست و نخواهد بود . سیاست کنونی رژیم جمهوری اسلامی تضاد های سیاسی - اجتماعی درون جامعه ما را تشدید می کند و کشور را به سوی يك بحران عمومی سیاسی می راند .

هم اکنون آشفتگی اقتصادی ، وابستگی شدید اقتصاد کشور به انحصارهای فرا - ملیتی ، کاهش تولیدات صنعتی و کشاورزی ، تورم فزاینده ، بیکاری روزافزون ، ژرفش مستمر شکاف موجود میان فقر و ثروت ، زیان های جبران ناپذیر ناشی از ادامه جنگ ایران و عراق ، گسترش رشوه خواری و حیف و میل اموال عمومی و فساد به عنوان پیامدهای ناگزیر سیاست رژیم ، به روشنی چهره خود را نشان می دهد .

ویژگیهای عده رژیم حاکم بر ایران عبارتند از : استبداد مذهبی به شکل تمرکز اختیارات قوای سه گانه مقتنسه ، مجریه و قضائیه در دست يك نفر پایه اصل "ولایت فقیه" ، کنترل پلیسی جامعه ، سرکوب آزادبها و حقوق دکرانیک مردم ، پیگردوبازداشت

و شکنجه و قتل و اعدام مخالفان، اعمال ستم ملی و تضيیقات مذهبی، حمایت از منافع کلان سرمایه داران و بزرگ مالکان به مثابه پایگاه امپریالیسم در ایران، نفی همزیستی مسالمت آمیز و معرفی جنگ به عنوان "رحمت الهی"، دخالت در امور داخلی دیگر کشورها برای "صدور انقلاب اسلامی"، کمونیسم ستیزی و شوروی ستیزی، زیر پا گذاشتن حقوق سیاسی و اجتماعی زنان یعنی نیمی از مردم کشور، گام برداشتن در راه انهدام فرهنگ ملی و کوشش مستمر بخاطر تحمیل توده ها و اشاعه خرافات و موهومات و سنن قرون وسطایی، علم ستیزی، فرهنگ ستیزی و دشمنی کین توزانه با تاریخ، زبان، ادبیات و هنر خلق های ایران.

استقرار نظام خودکامه "ولایت فقیه"، مسئله سرنگونی رژیم و دمکراتیزه کردن نظام اجتماعی - سیاسی را به مهمترین مسئله روز تبدیل کرده است.

احیاء مواضع اقتصادی امپریالیسم از طریق برقراری بخش اعظم مناسبات بازرگانی خارجی با انحصارهای فراملیتی و حفظ درامیزی سرمایه دولتی با سرمایه انحصارهای امپریالیستی، تضاد میان خلق و در درجه اول زحمتکشانشان را با منافع غارتگرانه انحصارهای فراملیتی تقویت می کند.

براین بنیان، تضاد میان کلان سرمایه داران و بزرگ مالکان و منافع کارگران، دهقانان، خرده بورژوازی شهری، و در مجموع خود پیش شرطهای عینی اقتصادی، اجتماعی و سیاسی رشد جنبش انقلابی را فراهم آورده است.

### تحول در آرایش طبقاتی جامعه

انقلاب بهمن ۱۳۵۷ تغییرات محسوسی در ترکیب و آرایش طبقاتی جامعه ایران پدید آورده است. پس از انقلاب حاکمیت به گروه جدیدی متشکل از خرده بورژوازی، لایه هایی از بورژوازی صنعتی متوسط و بورژوازی تجاری انتقال یافت.

پایگاه اجتماعی هیئت حاکمه در حال حاضر گرچه یکدست و همگون نیست، ولی بیانگران منافع کلان سرمایه داران بازار و بزرگ مالکان نقش و وزن عمده را در تعیین سیاست داخلی و خارجی رژیم بعهده گرفته اند.

### طبقه کارگر

رشد مناسبات تولید سرمایه داری در شهرها و روستاهای ایران در دهه های چهل و پنجاه، موجب رشد کمی و کیفی طبقه کارگر گردید. تمرکز نسبی کارگران صنعتی در موسسه ها و مجتمع های تولیدی بزرگ، امکان مانور آنها را در مبارزه افزایش داد. این امر موجب آن شد که پرولتاریای صنعتی - و در صف نخست آن کارگران نفت - نقش قاطعی در پیروزی انقلاب ایفا کنند و تجربه های گرانمایی ببیند و زند.

پس از انقلاب به علل گوناگون و طی روندی که هنوز ادامه دارد، تغییراتی در

جهت کاهش تعداد کارگران به نسبت کل نیروهای فعال جامعه بوجه آمدن این تغییرات منفی زاید سیاست ضد خلقی جمهوری اسلامی است.

ادامه جنگ و کشاندن شدن دامنه آن به شهرها، از سویی منجر به نابودی برخی موسسه‌ها و مجتمع‌های بزرگ صنعتی مانند پالایشگاه عظیم آبادان و نورد آهن اهواز و پتروشیمی، از جمله کانون‌های اصلی تجمع پرولتاریای صنعتی ایران، گردید و از سوی دیگر سبب کاهش تولیدات صنعتی، معدنی و کشاورزی در کشور شد. به علت کمبود مواد خام، نیم ساخته و قطعات یدکی اکثر کارخانه‌ها یا با نصف ظرفیت کار می‌کنند و یا تعطیل شده‌اند. افزون بر این با ویران شدن بزرگترین بندرهای ایران در منطقه عملیات نظامی، کاهش حجم تولید نفت خام تا کمتر از نصف تولید پیش از انقلاب و همچنین پایین آمدن مستمر تولید فرآورده‌های کشاورزی و رکود فعالیت‌های ساختمانی زمینه پیوستن بخش چشمگیری از کارگران شاغل شهرها و روستاها به انبوه بیکاران را فراهم ساخت.

اگر بر مجموعه این عوامل، خودداری رژیم از سرمایه‌گذاری در زمینه ایجاد صنایع تولید وسایل تولید و تمایل هرچه بیشتر به اختصاص اعتبارهای بانکی برای ایجاد موسسات صنعتی کوچک هم افزوده شود، آنگاه با روند توقف پرولتریاسیون و سیرقم‌قرایی آن در سالهای پس از انقلاب مواجه می‌شویم.

وابستگی فزاینده زندگی اقتصادی کشور به صدور نفت خام، خصلت اقتصاد تک‌کالایی را پیش از پیش تشدید کرده است. خصلت اقتصادی تک‌کالایی نیز نمی‌تواند در کاهش کمی طبقه کارگر موثر نباشد.

همراه با زرفش بحران اقتصادی، اجتماعی و سیاسی، آگاهی کارگران نسبت به هدف‌ها و خواسته‌های طبقاتی رژیم "ولایت فقیه"، با اتکا به تجربه عینی افزایش می‌یابد.

پرولتاریای صنعتی امروز ایران از میدان‌های پرتجربه و آزمون انقلاب بهمن و مبارزه طبقاتی پس از انقلاب گذشته است. پرولتاریای صنعتی ایران در جریان پیروزی انقلاب بهمن ثابت کرد که قادر است، برای دستیابی به هدف‌های انقلابی و دمکراتیک با اطمینان پیش‌برود. این بخش از پرولتاریا با وجود آن که از نظر کمی کاهش یافته است مانند گذشته مهمترین و اساسی‌ترین نیروی انقلابی کشور ما بشمار می‌رود.

طبقه کارگر ایران استوارترین نیروی ترقی‌خواه، پیگیرترین و انقلابی‌ترین پیکارگر راه آزادی، استقلال، پیشرفت اجتماعی و صلح و سربسخت‌ترین دشمن امپریالیسم است؛ از این رو، می‌تواند چه در راه تامین آزادی‌های دمکراتیک و چه در راه مبارزه استقلال طلبانه و چه در راه انجام دگرگونی‌های بنیادی در زندگی اجتماعی - اقتصادی کشور، نقش تعیین‌کننده ایفا کند.

## دهقانان

دهقانان ایران، برپایه منافع طبقاتی خویش، دارای گرایش‌های ضد-امپریالیستی و دمکراتیک هستند و در میان آنها دهقانان بی‌زمین و کم‌زمین نزدیک-

ترین و عمده ترین متحدان طبقه کارکرد در راه انجام تحولات بنیادی، از جمله حل د مکرانیک مسئله ارضی بشمار می روند. انقلاب بهمن نتوانست مسئله ارضی را حل کند و بدینسان حادثه ترین، جدی ترین و مهمترین خواست دهقانان بدین پاسخ ماند.

در جریان انقلاب بهمن، در برخی از نواحی کشور، دهقانان بی زمین و کم زمین به ابتکار خویش و با حمایت نیروهای انقلابی، اراضی زمینداران بزرگ را تصرف کردند. اما زمینداران بزرگ که از دیرباز پیوند های نزدیکی با روحانیون طراز اول داشتند، به کمک آنان توانستند اصلاحات ارضی را متوقف کنند. سپس روند بازپس گرفتن زمینها از دهقانان آغاز گردید که با مقاومت شدیدی آنان روبرو شد. این روند همچنان ادامه دارد.

با آزاد شدن خرید و فروش اراضی کشاورزی در سالهای اخیر، بسیاری از دهقانان کم زمین و خرده مالکان زمینهای خویش را به دهقانان مرفه و زمینداران بزرگ فروخته و به توده خوش نشینان روستاها و حاشیه نشینان شهرها پیوسته اند و یا در حال پیوستن هستند.

بهرمرداری از زمین در روستاها غالباً به شیوه تولید سرمایه داری انجام می شود. در عین حال، در سالهای اخیر، از جمله با احیاء موقوفه خواری و گسترش سیستم مزارعه و سهم کاری و از هم پاشیده شدن واحدهای بزرگ کشاورزی و افت سطح فنی کاشت و داشت و برداشت و دست اندازی به برخی دستاوردهای مبارزه دهقانی، بقایای نظام ارباب رعیتی در پاره های از نقاط کشور نیز تقویت شده است.

همانگونه با ادامه قشر بندی در روستاها، روند قطبی شدن جامعه روستایی ایران ادامه دارد و تضاد میان دهقانان کم زمین و بی زمین با زمینداران بزرگ شدت می یابد. کارگران کشاورزی نیز به شدت استثمار می شوند.

فقدان تشکلهای صنفی روستایی، همانند اتحادیه های دهقانی و سندیکاهای ویژه کارگران کشاورزی، از جمله عوامل بازدارنده مبارزه متشکل و قاطع و فراگیر این بخش بزرگ از زحمتکشان کشور است. اما دهقانان طی سالها مبارزه طبقاتی در راه تحقق اصلاحات ارضی، آگاهی و تجربه انقلابی ارزنده ای کسب کرده اند.

عشایر که بخشی از اهالی کشور را تشکیل می دهند، هنوز هم بطور عمده به صورت چادرنشینی و کوچ نشینی، در چارچوب مناسبات واپس مانده ایلی - عشیره ای بسر می برند و به دامپروری می پردازند. پس از انقلاب نه تنها زندگی عشایر بهبود نیافته، بلکه پیوسته زیر فشار نهاد های سرکوبگر رژیم بدتر شده است. اکثریت افراد عشایر، مردم زحمتکشی هستند که همانند گذشته یوغ بهره کشی و ستم خانها و شیوخ را بر گردن دارند. از این رو زمینه های عینی برای پیوستن آنها به صفوف مبارزه سایر زحمتکشان وجود دارد.

## خرده بورژوازی ولایه‌های بینابینی

خرده بورژوازی ولایه‌های بینابینی که اکثریت مطلق جامعه شهری را تشکیل می‌دهند، همواره نقش موثر سیاسی در جامعه ما داشته‌اند.

پیشه‌وران و کسبه‌کامکان در عرصه تولید و توزیع کالایی و خدمات در شهر و روستا سهم مهمی دارند و در انقلاب نیز نقش چشمگیری ایفاء کردند.

گشایشی که در نخستین سالهای پس از انقلاب در نتیجه کاهش فشار دستگاماداری بر توزیع خرد کالایی در وضع پیشه‌وران و کسبه وجود آمده بود، بر اثر هرج و مرج اقتصادی و تسلط فزاینده تجار و سرمایه‌داران بزرگ بر صادرات غیر نفتی سنتی همچنین بخش چشمگیری از واردات و توزیع کالا که نتیجه سیاست ارتجاعی رژیم بود، از بین رفت.

در نتیجه، تضاد میان خرده بورژوازی شهری در مجموع خود با تجار و سرمایه‌داران بزرگی که در راس اتحادیه‌های اصناف قرار گرفته و اعتبارات بانکی و توزیع کالا و مواد خام و نیم ساخته را در اختیار دارند، شدید شده است.

این گروه اجتماعی در آینده نیز می‌توانند مواضع سیاسی مرفقی اتخاذ کنند. خرده بورژوازی در اساس در تحقق آماج‌های انقلاب ملی و دمکراتیک ذینفع است. اکثریت پیشه‌وران و کسبه که از لایه‌های میانی و پائینی جامعه هستند، به اتکاء تجربه گذشته با احیاء و بازسازی نظام سرمایه‌داری انحصاری مخالفت دارند.

با این وجود نباید از نظر دور داشت که خرده بورژوازی خصلتی دوگانه دارد. این خصلت برخاسته از ماهیت طبقاتی خرده بورژوازی است که بین پرولتاریا و بورژوازی در نوسان است. خرده بورژوازی در مبارزه علیه تسلط و ستم کلان سرمایه‌داران وابسته، به پرولتاریا نزدیک ترمی شود؛ در عین حال باید در نظر داشت که در اوج مبارزه ضد سرمایه‌داری می‌تواند به متحد بورژوازی تبدیل گردد. گرایشهای ترقیخواهانه لایه‌هایی از خرده بورژوازی در سطحی است که آنها را در موضع انقلابی رادیکال قرار می‌دهد. دمکرات‌های انقلابی از این لایه‌ها برمی‌خیزند.

لایه‌هایی از تهیدستان شهرها، دهقانانی که در جستجوی کار به حاشیه شهرهای بزرگ کوچ کرده‌اند و نیمه پرولترها که در انقلاب بهمین تحرك معینی از خود نشان دادند، امروز نیز نیروی قابل ملاحظه‌ای را تشکیل می‌دهند.

وضع زندگی حاشیه‌نشینان شهرها و نیمه پرولترها، با وجود امیدهایی که به حاکمیت بسته بودند، طاقت فرسا است. جنبش‌های اعتراضی و مطالباتی در میان این گروه به تدریج اوج می‌گیرد. رژیم تلاش می‌ورزد تا از باورهای مذهبی این زحمتکشان برای نگهداشتن آنها در کنار خود حداکثر بهره‌برداری را به عمل آورد.

لومپن پرولتاریا که قربانی جامعه سرمایه‌داری و فاقد پایگاه ثابت اجتماعی است، هرچه بیشتر در خدمت ارتجاع قرار می‌گیرد.

اکثریت روشنفکران ایران - نویسندگان، هنرمندان، روزنامه نگاران، آموزگاران، دبیران، دانشجویان، استادان دانشگاه، کارمندان، نظامیان میهن پرست، مهندسان، حقوقدانان، پزشکان و سایر کارکنان خدمات اجتماعی اساساً دارای گرایشهای آزادیخواهانه ملی و دمکراتیک هستند، از شرایط ترور و اختناق رنج می‌برند و بخش مرفقی و انقلابی آنها با زحمتکشان پیوند نزدیک دارند. ضرورت های عینی مبارزه، لزوم و اهمیت اتحاد نزدیک با طبقه کارگر و دیگر زحمتکشان شهر و روستا را برای روشنفکران مرفقی و میهن‌دوست محسوس تر می‌سازد. در این چارچوب، بخشی از روشنفکران در طیف نیروهای چپ و انقلابی جای گرفته و از جمله به پیروان سوسیالیسم علمی پیوسته‌اند و در راه هدفها و آرمانهای طبقه کارگر مبارزه می‌کنند. گروهی از روشنفکران نیز در نتیجه عوامل گوناگون و از جمله پیوند های طبقاتی با غارتگران اجتماعی، دارای خصالت ضد کمونیستی هستند و در صف ضد انقلاب قرار می‌گیرند.

کارمندان بخش‌های دولتی و خصوصی و دیگر نهادها و بنیاد های نیمه دولتی که از لحاظ کمی نیروی قابل توجهی هستند، نقش شایانی در انقلاب داشتند. بدیهی است که کارمندان گروه ناهمگونی با وابستگی های طبقاتی گوناگون هستند.

در شرایط کنونی، وضع معیشتی کارمندان رده های پائین و میانی بر اثر کاهش درآمد واقعی و خیم‌تری شدید. فشار روحانیون حاکم، کارگزاران حکومتی و نهاد های نفتیش عقاید، اختناق سیاسی، گسترش فساد و ارتشاء و باند بازی در ادارات و عدم ارتقای شغلی بر اساس شایستگی، این قشر وسیع را هرچه بیشتر به مقاومت و مبارزه با رژیم جمهوری اسلامی سوق می‌دهد.

این گروه اجتماعی دارای گرایشهای ملی و دمکراتیک است و به علت تفرک در ادارات دولتی و نهادها و بنیادها می‌تواند به گونه‌ای کم و بیش متشکل به صحنه مبارزه بر ضد رژیم گام گذارد.

پس از انقلاب، با این که رژیم در مقاطع گوناگون، دگرگونیهای چشم‌گیری در مجموعه نیروهای نظامی و انتظامی بوجود آورده و از آن برای سرکوب خلق استفاده می‌کند، اما همچنان در میان پرسنل نیروهای مسلح، کم نیستند میهن پرستانی که با الهام از سنت های دیرینه انقلابی و دمکراتیک افسران و درجه داران ارتش ایران به مبارزه با رژیم استبدادی قرون وسطایی و پیکار در راه آماج های ملی و دمکراتیک برمی‌خیزند.

## روحانیون

روحانیون شیعه طیف وسیعی را تشکیل می‌دهند که علیرغم اعتقاد به اسلام به عنوان ایدئولوژی واحد، دارای مواضع سیاسی - اجتماعی یکسان نیستند. پیوند های اجتماعی - اقتصادی و سیاسی لایه فوقانی روحانیت شیعه با بورژوازی - بورژوازیان - و زمین - داران بزرگ، تقویت شده است. بسیاری از روحانیون در ارگانهای قانونگذاری و قضایی



و اجرایی ، به مثابه نمایندگان سیاسی کلان سرمایه داران و زمینداران بزرگ عمل می کنند .  
عده کثیری از روحانیون شیعه نیز که مسئولان درجه دوم دستگاه های دولتی و  
نظامی و غیره را تشکیل می دهند ، از آنجا که جز با تکیه بر فشار و سرکوب نمی توانند  
مقام خود را حفظ کنند ، در زمینه تثبیت سلطه بورژوازی بوروکراتیک و حفظ استبداد قرون  
وسطایی ، با بخش فوقانی روحانیت دارای منافع مشترک هستند . مجموعه این دگر-  
گونی ها به سرعت زمینه انزوای آنها را فراهم کرده است .

در این بین نباید از نظر دور داشت که اکثریت طلبه های حوزه های علمیه ، از  
میان دهقانان و لایه های متوسط شهری برخاسته اند و طبیعتاً بخش چشمگیری از آنها -  
تا زمانی که بطور عمده دستشان به منابع مالی و موقوفه های در انحصار روحانیت بزرگ  
نرسیده است - از پایگاه طبقاتی خود متاثرند . در میان آنها هستند کسانی که  
تحت تاثیر عوامل گوناگون از جمله موقعیت اجتماعی خود و نیز گسترش نفوذ نیروهای  
انقلابی ، به مخالفت با محافل ارتجاعی روحانیون و سران مرتجع جمهوری اسلامی ،  
می پردازند .

### طبقه سرمایه دار (بورژوازی)

پس از پیروزی انقلاب ، طبقه سرمایه دار ( بورژوازی ) دچار دگرگونی های کمی و کیفی  
چشمگیر شده است . سرمایه داران بزرگ وابسته که از نظر اقتصادی و سیاسی پایگاه  
عمده رژیم شاه را تشکیل می دادند ، متحمل ضرباتی شدند . این ضربات در برخی  
از رشته های اقتصادی قویتر و در برخی دیگر ضعیف تر بود .  
بورژوازی تجاری که یکی از منابع عمده درآمد قشر فوقانی روحانیت است ، با بهره-  
جویی از مناسبات طبقاتی و سیاسی ریشه دار با سازمانهای سیاسی - مذهبی توانست  
بیشاز دیگر قشر های بورژوازی مواضع خود را در عرصه های اقتصادی - سیاسی تحکیم  
کرده و گسترش دهد .

ثروت اندوزی از طریق احتکار و گرانفروشی و چپاول بی بند و بار توده های زحمتکش  
در سالهای بعد از انقلاب ، د ر سراسر تاریخ رشد سرمایه داری در کشور ما بی سابقه است . در این  
میان گروه بازاریان بزرگ پیرو خمینی - که علاوه بر تجارت در تولید نیز شرکت دارند -  
و نیز واسطه ها ، از امکان های ویژه ای برای ثروت اندوزی برخوردار شدند . اشتغال  
منظم گروهی از روحانیون به امور تجاری ، ساختمانی و مقاطعه کاری در مشارکت با کلان  
سرمایه داران که از ویژگیهای سالهای پس از انقلاب بهمن ۵۷ بشمار می رود ، سبب  
تقویت بیشتر بنیه مالی و در نتیجه موقعیت سیاسی بورژوازی تجاری شد . این قشر  
از بورژوازی حلقه واسطه میان انحصارهای امپریالیستی و بازار ایران است .  
افزایش قدرت مالی و سیاسی این گروه از بورژوازی و استوار شدن مواضع آن در  
حاکمیت ، در فراهم ساختن شرایط ضرور برای عدول رژیم از آماج های انقلاب و گرایش  
به سوی امپریالیسم و ایجاد زمینه های بازسازی مواضع سرمایه داری وابسته و امپریالیسم

د در ایران، نقش پراهمیت و انکارناپذیری داشت .  
بورژوازی صنعتی متوسط و کوچک، که با تولید داخلی سروکار دارد، از نظر کمی بخش چشمگیری از سرمایه داران ایران را تشکیل می دهد . تعایل به دستیابی به منابع مالی و اعتباری که در دوران رژیم گذشته نصیب سرمایه داران بزرگ وابسته و انحصارهای امپریالیستی همدست آنها می شد، مهمترین انگیزه پیوستن این بخش بورژوازی به انقلاب بود .

اکثر سرمایه داران صنعتی و متوسط و کوچک به دلیل حمایت رژیم از بورژوازی بزرگ تجاری و در پیش گرفتن سیاست د رهای باز، علیرغم تعایل ماهوی به نزدیکی بامپریالیسم، دارای گرایش های ضد امپریالیستی و مخالف رژیم "ولایت فقیه" و استبداد مذهبیهی هستند . گرایش ضد امپریالیستی این بخش از بورژوازی به تناسب درجه اعمال سیاست نواستعماری امپریالیسم و یا د رگیربها و اختلاف های د رونی سرمایه داری د ر مجموع خود تخییر می کند .

د ر اوضاع و احوال کنونی، اداره جنگ و اختصار دادن د هرچه بیشتر د رآمد نفت به مصارف نظامی و مشکلات تامین مواد خام، قطعات یدکی، نیم ساخته و ماشین آلات این وضعیت را تشدید کرده است .

لایه های از بورژوازی متوسط و کوچک می توانند د ر مرحله انقلاب ملی و د مکراتیک شرکت جویند، اما باید د وجهتوان انقلابی و گرایشهای ضد امپریالیستی آنها را از هم تمیز داد و به ویژه د ر نظر داشت که بورژوازی با د رگرونی های بنیادی به سود محرومان جامعه، موافق نیست و لذا فاقد توان انقلابی است .

لایه های بالایی کارمندان د ر خدمت رژیم "ولایت فقیه"، د ر واقع "نسل" جدید تشکیل دهند . بورژوازی بوروکراتیک هستند . بورژوازی بوروکراتیک به گروهی از کارمندان کشوری و لشگری د ر دستگاه دولتی اطلاق می شود که با سوءاستفاده از موقعیت خویش به گردآوری ثروت می پردازد . خودداری حاکمیت از د رهم شکستن یا نوسازی دستگاه اداری رژیم گذشته، زمینه ها و محملهای عینی رشد مجدد و انگلی بورژوازی بوروکراتیک را فراهم کرد .

بعد از انقلاب عده قابل ملاحظه ای از روحانیونی که د ر پست های وزارت، مدیر کلی و سرپرستی بنیادها و دادگاه های شرع و غیره قرار گرفتند و نیز برخی از فرماندهان ارتش و سپاه و بسیج و ژاندارمری شهربانی و کمیته ها به زمره عناصر تشکیل دهند ه بورژوازی بوروکراتیک د ر آمدند . رشد بوروکراسی، حیف و میل اموال دولتی، دادن و گرفتن رشوه، تبعیض و غیره، نتیجه عملکرد بورژوازی بوروکراتیک است .

بورژوازی بوروکراتیک از لحاظ تاریخی د ر راستای تشدید وابستگی کشور به انحصار های فراملیتی گام برمیدارد و برای حفظ موقعیت خود به منافع و مصالح ملت پشت می کند . بورژوازی بوروکراتیک، آلت دست ارتجاع، ضد انقلاب و امپریالیسم د ر کشور ماست و با هرگونه د رگرونی بنیادی و د مکراتیک د ر جامعه مخالفت می ورزد .

## ضرورت سرنگون کردن رژیم و تحولات بنیادی

مخالفت مردم با مجموعه سیاست رژیم جمهوری اسلامی، اعم از داخلی و خارجی، به سرعت فزونی می‌گیرد. • محمل این مخالفت، تضاد آشفتنی ناپذیر میان خواستهای مردم از یک سو و رژیم استبدادی قرون وسطایی از سوی دیگر در زمینه تامین حقوق و آزادیها و پیشرفت اجتماعی و اقتصادی است.

جامعه ما مدت‌هاست که به يك تحول بنیادی در همه عرصه های زندگی اجتماعی، در جهت تامین منافع توده های زحمتکش نیازمند است. • اما سران مرتجع جمهوری اسلامی که در جریان اوج گیری جنبش انقلابی و در سالهای نخست انقلاب در راستای تحقق خواستهای زحمتکشان داد سخن می دادند با رویگردانی از آماج های ضد امپریالیستی و مردمی انقلاب و در پیش گرفتن سیاست ترور و اختناق و پشتیبانی از منافع کلان سرمایه داران و بزرگ مالکان راه خیانت را در پیش گرفتند و به تد ریح به ضد انقلابیونی عنان گسیخته و سد اساسی پیشرفت جامعه ما تبدیل شدند.

حزب توده ایران بر آنست که در حال حاضر، مهمترین، عاجل ترین و اساسی ترین وظیفه ای که در برابر تمام نیروهای انقلابی و میهن دوست ایران قرار دارد، سرنگون کردن رژیم قرون وسطایی و استقرار يك حکومت انقلابی و دمکراتیک است.

حزب توده ایران مرحله انقلاب میهن ما را همچنان مرحله ملی و دمکراتیک می‌داند. • تد اوم پیگیر و پیروزی نهایی این انقلاب در گرو اعمال رهبر حزب واحد پیشاهنگ طبقه کارگر است و حزب توده ایران در این راه مبارزه می‌کند.

شرط ضرور سرنگون کردن رژیم جمهوری اسلامی و استقرار حکومت انقلابی و دمکراتیک تشکیل جبهه متحد خلق است. • در شرایط کنونی این جبهه طیف وسیعی از همه احزاب، سازمان ها و نیروهایی را در بر می گیرد که به آماج های مردمی و ضد امپریالیستی انقلاب بهمن پایبندند و خواهان تحقق شعار آزادی، استقلال و عدالت اجتماعی هستند. • پایگاه اجتماعی این جبهه کارگران، دهقانان، خرد به بورژوازی شهری و روشنفکران خلقی است. • این جبهه می‌کوشد تا لایه هایی از بورژوازی کوچک و متوسط را که در برخی از دگرگونیهای انقلاب ملی و دمکراتیک ذینفع هستند به سوی خود جلب کند. • اتحاد کارگران و دهقانان استخوان بندی چنین جبهه ای است.

برای تامین سرکردگی حزب واحد پیشاهنگ طبقه کارگر در این جبهه، وحدت طبقه کارگر، رزمندگان راه این طبقه و بسیج قشرهای زحمتکش جامعه ضرورت دارد. • از آنجا که رژیم جمهوری اسلامی حیات خویش را با سرکوب مخالفین خود در کشور پیوند زده و ادامه موجودیت خود را در گرو تشدید ترور و اختناق قرار داده است، یگانه راه انتقال قدرت سیاسی به جبهه متحد خلق اعمال قهر انقلابی است. • در مبارزه برای سرنگون کردن رژیم می‌توان و باید از تمام اشکال مبارزه، از تظاهرات خیابانی و

اعتصاب‌های همگانی گرفته تا مبارزه مسلحانه تودهای استفاده کرد . حزب توده ایران تدارك اشكال قهرانقلابی را وظیفه خود می‌داند و توده‌ها را در این راه آماده می‌کند .

## نظر حزب توده ایران در باره حکومت انقلابی و دمکراتیک و برنامه آن

دعوت مجلس موسسان برای تنظیم و تصویب قانون اساسی و تعیین نهاد های حاکمیت نوین به عهده جبهه متحد خلق خواهد بود . اعضاء مجلس موسسان با رای مساوی ، مستقیم و مخفی ، از میان تمام شهروندان ایرانی ، صرف نظر از جنس ، زبان ، ملیت ، دین و تعلقات سیاسی و عقیدتی انتخاب می‌شوند . مجلس موسسان موظف است که در باره نوع حکومت و قانون اساسی جدید تصمیم بگیرد . در فاصله موقوف رژیم و تصویب قانون اساسی جدید ، اداره امور کشور به عهده يك دولت موقت است که باید از جانب رهبری جبهه متحد خلق به کارگمارد ه شود .

حزب توده ایران به اتکالی تجربه های د و انقلاب ایران در سده حاضر و بررسی انقلاب های دیگر در این دوره ، نظرات خود را در باره برنامه حکومت آینده که شکل آن جمهوری است به شرح زیر در معرض افکار عمومی می‌گذارد :

### الف - تحول در سازمان حکومتی

- ۱ - حکومت انقلابی و دمکراتیک دستگاه دولتی ارتجاعی را درهم می‌شکند . این حکومت هر نوع رژیم تئوکراتیک را نفی و از آن قوانین اجتماعی تبعیت می‌کند که متناسب با سطح تکامل عینی جامعه تدوین گردد و به اقتضای تخییر شرایط و بنا به ضرورت های نوین دگرگون شود .
- ۲ - در حکومت انقلابی و دمکراتیک ادیان و مذاهب مورد احترامند ، بی احترامی به باورهای مذهبی مردم و اعمال تزییقات علیه پیروان مذاهب مختلف محکوم می‌شود .
- ۳ - این حکومت انقلابی و دمکراتیک به جبهه متحد نیروهای انقلابی و دمکراتیک جامعه تکیه می‌کند و بر اساس اتحاد داوطلبانه کلیه خلق های ایران و بر مبنای احترام متقابل و حقوق برابر تشکیل می‌گردد .
- ۴ - کلیه ارگانهای حکومت انقلابی و دمکراتیک از پائین تا بالا از طرف مردم ( یا نمایندگان آنها ) و با رای مساوی ، مستقیم و مخفی انتخاب خواهند شد ، که در برابر مردم پاسخگو خواهند بود .
- ۵ - مجلس شورای ملی ایران ، عالی ترین مرجع قدرت حکومتی است که در آن

- نمایندگان برگزیده مردم شرکت می‌کنند. • قانون‌گذاری، انتخاب دولت و نظارت بر اعمال آن، از وظایف مجلس است.
- ۵ - ارگان‌های محلی که توسط توده‌های وسیع مردم برای اداره امور کشور انتخاب می‌شوند عبارتند از شوراهای استان، شهرستان، شهر، بخش و دهه. • در مناطق ملی، این شوراهای در چارچوب حکومت خود مختار ملی تشکیل می‌گردند.
- ۶ - حکومت انقلابی و دمکراتیک باید دارای نیروهای مسلح دفاعی و انتظامی باشد. • نیروهای مسلح جمهوری باید مجری اراده خلق باشند. • افسران، درجه‌داران و افراد نیروی مسلح ایران باید مانند دیگر شهروندان از کلیه حقوق سیاسی و اجتماعی برخوردار شوند.
- ۷ - حکومت انقلابی و دمکراتیک استقلال قضایی را بر اساس انتخاب دمکراتیک قضات تأمین خواهد کرد.

## ب- حقوق و آزادی‌های سیاسی فردی و اجتماعی

- ۱ - انحلال کلیه ارگانهای سرکوبگر و تفتیش عقاید موجود و الغاء کلیه قوانین منافسی با حقوق خلق.
- ۲ - آزادی کلیه زندانیان سیاسی، اعلام بی‌درنگ بی اعتبار بودن اتهام‌ها و احکام دادگاههای "شرع" - اعم از نظامی و غیر نظامی - علیه مبارزان راه آزادی، استقلال و عدالت اجتماعی و اعاده حیثیت و تأمین حقوق پایمال شده این مبارزان.
- ۳ - تضمین خدشه‌ناپذیر آزادی عقیده، دین، بیان، قلم، آزادی مطبوعات، اجتماعات، احزاب و سازمان‌های صنفی؛ آزادی در انتخاب شغل و محل سکونت؛ آزادی مسافرت؛ آزادی اعتصاب؛ آزادی دفاع و محاکم با برخورداری از مصونیت‌های فردی.
- ۴ - تأمین حق انتخاب کردن برای کلیه افراد ۱۸ سال به بالا و حق انتخاب شدن برای کلیه افراد ۲۵ سال به بالا صرف‌نظر از جنس، نژاد، مذهب، عقیده، ملیت، سواد، شغل.
- ۵ - شناسائی و تضمین حق تشکیل آزادانه سازمان‌های صنفی (سندیکا، اتحادیه، شورا، تعاونی و غیره) برای کلیه کارگران، دهقانان، کارمندان و دیگر زحمتکشان شهر و روستا در مقیاس‌های واحد کار، رشته کار، منطقه کار و در مقیاس سراسری.
- ۶ - تضمین حق مشارکت واقعی سازمان‌های مستقل صنفی کارگران و زحمتکشان در اداره مربوط به شرایط کار و زندگی آنان در بخش‌های تولیدی، اداری و خدمات.
- ۷ - شناسائی و تضمین حق پیوستن سازمان‌های مستقل صنفی کارگران و زحمتکشان به اتحادیه‌ها و فدراسیون‌های منطقه‌ای، قاره‌ای، جهانی و فراهم کردن شرایط

لازم برای مراد به، مکاتبه، اعلام همبستگی و مبادله اطلاعات سند یکایی، اجتماعی و سیاسی با آنها.

### ج- مسئله ملی

۱ - ایران کشوری است کثیرالمله و در آن ملت های گوناگون (فارس ها، آذربایجانی ها، کردها، بلوچ ها، ترکمن ها، عرب ها و غیره) زندگی می کنند که دارای سرزمین، زبان، آداب، آئین ها و رسوم ویژه خود هستند. افزون بر آن، اقلیت های ملی - مذهبی در سراسر کشور بصورت پراکنده وجود دارند. رشته های مختلفی واحد های ملی ساکن ایران را به هم پیوند می دهد. آنها طی سده های متعددی تاریخ و سرنوشت مشترکی داشته اند، در ابداع و ایجاد فرهنگ غنی ایران با هم همکاری کرده اند و در ادوار مختلف هم راه استقلال و آزادی میهن مشترک خویش دوشادوش یکدیگر دست به فداکاریهای بیشماری زده اند.

۲ - حکومت انقلابی و دمکراتیک طرفدار برابری کامل حقوق کلیه ملت ها، اقوام و اقلیت های ملی - مذهبی و اتحاد آنها در چارچوب میهن واحد برپایه حفظ تمامیت ارضی کشور ایران است. حکومت انقلابی و دمکراتیک برای حل مسئله ملی اصول زیرین را پایه عمل خود قرار می دهد:

- تامین حق کامل خلق های ساکن ایران در تعیین سرنوشت خویش،
- شناسایی حق اقلیت های ملی - مذهبی ساکن ایران (ارمنی، آسوری، زرتشتی، کلیمی و غیره) در برخورد ارشاد از کلیه حقوق ملی، اجتماعی و فرهنگی خود.

### د- سیاست خارجی

سیاست خارجی حکومت انقلابی و دمکراتیک باید مستقل و فعال و در انطباق کامل با نیازهای استقلال و امنیت کشور و نیز در راستای ایجاد شرایط ضرور برای شکوفایی اقتصاد ملی باشد و بر اصول زیرین استوار گردد:

- تمامیت ارضی، تامین و تحکیم استقلال سیاسی و اقتصادی کشور؛
- پایان دادن به غارت انحصارهای خارجی در ایران؛
- استقرار مناسبات دوستانه و برابر حقوق با همه کشورهای جهان که استقلال میهن ما را به رسمیت می شناسند و آماده هستند تا از تلاش خلق های ما در راه دفاع از استقلال کشور و تحکیم آن پشتیبانی کنند؛
- عقد قرارداد دوستی و عدم تجاوز با همه کشورهای همسایه و تلاش در راه انعقاد پیمان امنیت جمعی در منطقه خاورمیانه و نزدیک و سراسر آسیا بسرای آزاد ساختن منطقه از سلاح های هسته ای و پایگاه های نظامی خارجی؛
- شرکت فعال ایران در جنبش غیر متعهد ها و عدم شرکت در گروه بندی ها و

پیمان های تجاوزکارانه ، اعم از نظامی و پیا شیبه نظامی ؛  
- دفاع فعال از صلح جهانی به مثابه يك وظیفه انقلابی ؛  
- پشتیبانی مادی و معنوی همه جانبه از تمام جنبش های آزاد بیخشم ملی در سراسر  
جهان ، برای درهم شکستن سلطه امپریالیسم .

## ۵- رشد اقتصادی

- ۱ - نظام اقتصادی در مرحله کنونی رشد مشخص - تاریخی جامعه ما در سه بخش دولتی ، تعاونی و خصوصی ، بر پایه تقویت بدون وقفه بخش های دولتی و تعاونی در همه زمینه های تولید صنعتی و کشاورزی و توزیع محصولات عمده مصرفی ، تحدید ، کنترل و هدایت بخش خصوصی از سوی دولت استوار خواهد بود .
- ۲ - دمکراتیزه کردن بخش دولتی و توسعه و تحکیم هر چه بیشتر آن در اقتصاد ملی به منظور تجدید نظر در مالکیت وسایل تولید و ایجاد تحول بنیادی در تقسیم محصول ملی و درآمد ملی به نفع توده های محسروم ، استفاده از اهرم های مناسب کالایی و پولی متمرکز در دست دولت برای بالا بردن میزان سودآوری و ثمربخشی اقتصاد ، افزایش انباشت داخلی ، تامین رشد موزون و مداوم اقتصادی و بالا بردن سطح زندگی توده های زحمتکش ، از وظایف اساسی حکومت انقلابی و دمکراتیک است .
- ۳ - در دوران ما ، با رشد نیروهای مولده تکامل مناسب تولیدی ، انقلاب علمی و فنی و گسترده گی مناسب بین المللی ، اقتصاد ملی بصورت مجموعه ای بس بخرنج درآمده است . در جهان امروز تجربه های گرانبهاوارزشمندی برای تنظیم مشخص برنامه های اقتصادی برپایه شناخت علمی یاد نظر گرفتن تناسب میان هدف های مشخص اندوخته شده است که باید از آنها برای تنظیم برنامه رشد اقتصادی کشور بهره جست . برای رسیدن به این هدف ، برنامه ریزی دقیق علمی منطبق با امکان ها و شرایط کشور ضرورت جدی دارد .
- ۴ - هدف از رشد اقتصادی ایران عبارت است از دگرگون سازی بنیادی ساختار اقتصاد ملی یعنی در هم شکستن ترکیب اقتصاد واپس مانده و وابسته کنونی و پایه گذاری اقتصادی با ساختار موزون و پیشرفته متکی بر استفاده معقول از منابع طبیعی داخلی ، توجه به اولویت های صنعتی برای تامین استقلال اقتصادی از طریق احداث و توسعه آن رشته های تولیدی که پی ستون ترقی و خود کفایی مجموعه اقتصاد ملی را تشکیل می دهند .
- ۵ - حل مسئله ارضی به مفهوم حل مسئله مالکیت زمین و مناسبات طبقاتی در روستاها ، ضرورت مبرم دارد . حکومت انقلابی و دمکراتیک باید شعار "زمین از آن کسی است که روی آن کار می کند" را از حرف به عمل در آورد و اصلاحات ارضی و آبی به سود دهقانان بی زمین و کم زمین را در راس برنامه خود قرار دهد . محتوی عمده این اصلاحات عبارت است :



- مصادره ارضی بزرگ مالکان به سود دهقانان بی زمین و کم زمین و همچنین —
- واگذاری اراضی موقوفه به دهقانانی که روی آن کار می کنند . کلیه این امور با نظارت شوراها و اتحادیه های دهقانی انجام می گیرد ؛
- مشکل ساختن دهقانان در شرکت های تعاونی تولید ؛
- ایجاد واحدهای بزرگ و مدرن کشت و دامپروری بوسیله شرکت های تعاونی تولید ؛
- خرید مازاد تولیدات کشاورزی بوسیله دولت و پایان بخشیدن به غارتگری سلف خرها و واسطه ها و غیره ؛
- تقویت بخش دولتی اقتصاد کشاورزی : شامل موسسات کشت و صنعت و دامداری بزرگ .
- ۶ — ملی کردن بازرگانی خارجی و نظارت بر توزیع کالاهای عمده مصرفی از طرف دولت و تعاونی ها . آنچه در این عرصه مهم و حیاتی باید در نظر گرفته شود عبارت است از :
- تشکیل موسسات ویژه دولتی برای برنامه ریزی واردات و صادرات ؛
- حذف کلیه واسطه ها ، در بخش تدارکات و توزیع ؛
- کمک به فروشندگان جزء و تعاونی های توزیع ؛
- تاسیس فروشگاه های بزرگ دولتی به منظور تثبیت قیمت ها و جلوگیری از احتکار و گرانفروشی .

## و- اصلاحات اجتماعی

- ۱ — تنظیم و توزیع عادلانه درآمد ملی یکی از مهمترین وظایف حکومت انقلابی است که باید از طریق تنظیم بودجه کل کشور به سود زحمتکشان تحقق یابد . این امر از راه های زیر انجام می گیرد :
- ایجاد تناسب معقول و علمی میان د و بخش انباشت اجتماعی و مصرف در مجموعه اقتصاد ملی و تقسیم علمی و متناسب بخش اخیر ( مصرف ) به دو رشته مصرف عمومی و مصرف خصوصی ؛
- تدوین قانون جدید مالیات در جهت تنظیم عادلانه درآمد ملی ؛
- ۲ — تامین کار و رفاه اجتماعی برای همه افراد جامعه . در این زمینه حکومت انقلابی و دمکراتیک باید وظایف زیرین را عملی سازد :
- تامین اشتغال برای همه شهروندان در سن کار ، اعم از زن و مجرد و از بین بردن بیکاری و نیمه بیکاری ؛
- تامین و تضمین قانونی حداقل حقوق و دستمزد برای زحمتکشان ، متناسب با نیازهای مادی و معنوی خانواده های آنها و ترمیم سالانه حقوق و دستمزد ها با توجه به نوسان هزینه زندگی ؛
- پرداخت دستمزد و حقوق متناسب با کمیت و کیفیت کار به کارگران و جلوگیری

از تاثیر نامطلوب نوسان های اقتصادی بر زندگی آنها ؛

— پرداخت کمک معاش به کارگران و کارمندان ، نسبت به تعداد افراد تحت تکفل آنان ؛

— هماهنگ کردن مستمر تخصص دارگران با رشد امکان های فنی از طریق آموزش کار ؛

— تنظیم و تدوین قانون کار و تامین اجتماعی بر بنیاد دمکراتیک با مشارکت مستقیم نمایندگان سازمان های مستقل صنفی کارگران و دیگر زحمتکشان شهرو روستا ؛  
— کاهش ساعات کار در هفته به تناسب پیشرفت و گسترش اقتصاد کشور و بویژه کاستن از ساعات کار مشاغل دشوار و زیان بخش برای تندرستی ، طبقه بندی مشاغل بر اساس سابقه و مهارت کار و غیره ؛

— شناسائی حق استراحت برای زحمتکشان و فراهم کردن امکان استراحت و تفریح نظیر آسایشگاه ها و غیره برای آنان ؛

— به رسمیت شناختن قرارداد های جمعی برای کارگران واحد های صنعتی و کشاورزی و خدماتی ؛

— تامین حقوق بازنشستگی برای کلیه زحمتکشان زن و مرد ؛

— منع کار کودکان ؛

— ایجاد آسایشگاه ها و تامین شرایط زندگی برای پیران و از کارافتادگان ؛

— تقسیم صحیح کار در ادارات ، تفریح بر اساس آموذگی ، سوابق خدمت و

کیفیت کار ؛ تجدید نظر در قوانین استخدامی بر بنیان دمکراتیک ؛

۳ — کمک همه جانبه دولت به شرکت های تعاونی روستائی برای بهبود وضعیت دهقانان از طریق پرداخت وام های دراز مدت و تامین ماشین های کشاورزی ، بذر ، کود ، سموم کشاورزی ، بهبود شرایط کار و زندگی کارگران کشاورزی و شمول قانون کار و بیمه های اجتماعی در مورد آنان .

تعیین نرخ عادلانه تولیدات کشاورزی و بیمه کردن این تولیدات . تاسیس مدارس حرفه ای و تربیت کادر متخصص برای کشاورزی و تامین بهداشت و ارتقاء بهداشت و ارتقاء سطح فرهنگ در روستاها . توجه ویژه به مسایل دآمداری و از جمله دآمداری سنتی ( عشایری ) و دآمداری تک خانواری دهقانی . محو بقایای پدرسالاری . تامین مراتع برای تغذیه دام ، ایجاد مراکز دام پزشکی برای مبارزه با بیماری های دامی ، ایجاد سیلو ، کشتارگاه و سردخانه مجهز ، اعطای وام و دیگر کمک های دولتی به عشایر فقیر و تهیدست ، تامین تسهیلات رفاهی بویژه آموزش و بهداشت در مناطق عشایری .

۴ — ایجاد امکانات و تسهیلات لازم برای پیشموران و رونق دادن به صنایع دستی ، هنری و ملی .

۵ — تامین خدمات درمانی و بهداشتی رایگان و توزیع عادلانه آن در شهر و روستا . ایجاد شبکه وسیع تربیت کادر پزشکی و بهداشتی ، تاسیس درمانگاه ها و

بیمارستانها و زایشگاهها و آسایشگاهها در سراسر کشور، برای استفاده همه مردم، ایجاد سیستم فراگیر آزمایشگاهها و درمانگاههای سیار و نیز موسسات ویژه‌ای برای معلولان و بیماران لاعلاج • استقرار نظام بیمه درمانی، سوانح، نقص عضو و ازکارافتادگی، بیکاری و فوت • تامین حق بیمه کارگران و زحمتکشان به حساب کارفرمایان و دولت •

۶ - تمرکز امر تهیه مسکن به مثابه یکی از مهمترین بخش‌های اقتصادی مربوط به زندگی مردم، بطور عمده در بخش‌های دولتی و تعاونی برپایه برنامه ریزی درازمدت • تامین مسکن مناسب برای زحمتکشان با قیمت ارزان • کمک به خانه‌سازی انفرادی خانوادہ‌های بدون مسکن از راه دادن وام‌های دولتی •

تکمیل و توسعه شبکه آموزش و پرورش در سراسر کشور و توجه بیشتر به مناطق عقب افتاده، تامین آموزش اجباری و رایگان کودکان و نوجوانان در شهرها و روستا و فراهم ساختن شرایط آموزش عالی بطور رایگان، ایجاد شبکه وسیع آموزش حرفه‌ای، بسط شبکه کودکان، دبستانها و دبیرستانها به تناسب نیازهای کشور، گسترش کمی و کیفی دانشگاهها و مدارس عالی بویژه در رشته‌های فنی و پزشکی برای رسیدن به خودکفائی در این زمینه‌ها، تجدید نظر در برنامه‌های آموزشی بقصد زدودن اثرات مخرب و ارتجاعی عملکرد سران رژیم جمهوری اسلامی از نظام آموزشی کشور، پرداخت کمک هزینه تحصیلی به دانشجویان خانوادہ‌های کم درآمد، آموزش به زبان مادری در تمام سطوح و مبارزه قاطع با بیسوادی •

## ز- فرهنگ اجتماعی، شکوفایی علم و فن

۱ - شکوفایی فرهنگ غنی مردمی و ملی در کلیه ابعاد آن • زدودن کلیه مظاهر ارتجاعی و قرون وسطایی از جامعه به مثابه یکی از دردناکترین پیامدهای تسلط نظام "ولایت فقیه" و در عین حال زدودن اثرات سوء فرهنگ نواستعماری که از جانب امپریالیسم به کشورها تحمیل شده است •

۲ - احیای فرهنگ ملی خلق‌های ساکن ایران و کوشش در راه شکوفایی ادبیات و رشته‌های گوناگون هنری و سنن و آداب و رسوم خلق‌ها، الغاء کلیه قوانینی که مانع پیشرفت هنر موسیقی، سینما، نقاشی، پیکره‌سازی، تئاتر و مجموعه هنرهای اصیل ملی می‌شود و ترویج آنها •

۳ - رشد همه جانبه علم و فن و استفاده از دستاوردهای انقلاب علمی و فنی برای تامین خودکفائی از طریق ایجاد، تعمیم و گسترش تکنیک و تکنولوژی و پایان دادن به وابستگی در این زمینه •

۴ - بالا بردن درجه تخصص و کاردانی از طریق تربیت کادر در زمینه‌های علمی و فنی و تشویق طراحان و مخترعان و مهندسان خلاق •

۵ - تشکیل فرهنگستان علوم •

## ح- زنان

رفع کلیه محرومیت‌های اجتماعی از زنان و تامین برابری کامل با مردان در همه عرصه‌های زندگی اجتماعی • تدابیری که حکومت انقلابی و دموکراتیک در این زمینه باید اتخاذ کند، عبارتند از:

— الغای بی درنگ همه قوانین مغایر با شئون اجتماعی و انسانی زن که رژیم جمهوری اسلامی از تصویب گذرانده است؛

— سلب حقوق چند همسری و طلاق یکجانبه مردان؛

— افزایش سن قانونی ازدواج برای دختران؛

— الغاء کلیه محدودیت‌های قانونی و عملی که جمهوری اسلامی در زمینه تحصیل،

ورزش و هنر و غیره برای زنان ایجاد کرده است؛

— تضمین حق مشارکت کامل زنان در تولید اجتماعی و اداره امور کشور؛

تضمین برابری حقوق زن و مرد در زمینه‌های اشتغال، انتخاب آزادانه همسر،

طلاق، برخورداری از ارث، سرپرستی فرزندان، شهادت در برابر دادگاه، قضاوت و غیره؛

— پرداخت دستمزد مساوی به زنان و مردان در مقابل کار مساوی، ایجاد شبکه

فراگیر شیرخوارگاه‌ها و کودکستانها برای کمک به زنان زحمتکش و ایجاد امکان تربیت اجتماعی کودکان در سال‌های پیش از مدرسه؛

— معافیت زنان از انجام کارهای سنگین و نامتناسب با وضع جسمی آنان؛

— حق اشتغال به کار سبک به هنگام بارداری و حق برخورداری مادر از مرخصی

با حقوق در زمان بیماری کودک؛

— تامین حداقل ۴ ماه مرخصی زایمان با دریافت حقوق برای شاغل و تضمین

بازگشت آنها به کار؛

— تامین حق استفاده از مرخصی بدون حقوق برای زنان باردار، تایک سال پس

از زایمان با حفظ محل خدمت؛

— تامین حق برخورداری زنان از آموزش تخصصی برای دسترسی به مدارج علمی

و ارتقاء شغلی برابر با مردان؛

## ط- جوانان

۱ — توجه به ایجاد امکان رشد همه جانبه نوجوانان و جوانان و تامین شرایط لازم

برای پرورش و آماده کردن آنان بمنظور انجام وظایف تاریخی خود در آینده • بدین منظور علاوه بر آموزش در مدارس و از طریق رسانه‌های گروهی از قبیل رادیو و تلویزیون، ایجاد شبکه وسیع موسسات و سازمان‌های پژوهشی، هنری، علمی و فنی برای فعالیت

آزاد و د اوظلبانه جوانان ضرور است •

۲ - گسترش هرچه بیشتر ورزش، برای تامین تند رستی و شادابی و بهداشت  
عمومی، پرورش، روحیه انسان د وستانه و صلح جویانه و سلامت اخلاقی و تامین تفریحات  
سالم برای جوانان و الغاء مقررات و قوانین ارتجاعی رژیم جمهوری اسلامی د ر زمینـــه  
ورزش، •

\* \* \* \* \*

حزب توده ایران برنامه خود را که بازتاب آرمان های ملی و دمکراتیک توده های  
وسیع خلق د در مرحله مشخص تاریخی کنونی است ، عرضه می دارد •  
حزب توده ایران همه اعضا ء و هواداران خود ، همه قشرهای زحمتکش و مترقی  
جامعه و در درجه اول طبقه کارگر و متحدانش، د دهقانان تهیدست ، پیشه وران ، روشن-  
فکران ترقی خواه و میهن دوست ایران را فرا می خواند که برای عملی شدن این  
برنامه که یگانه راه تحقق آزادی ، استقلال و عدالت اجتماعی و نیز راهگشای حرکت به  
سوی جامعه نوین عاری از استثمار فرد از فرد است تلاش ورزند •

جبهه متحد خلق  
ضامن پیروزی است!

پیروز باد مبارزه خلق  
در راه سرنگونی رژیم  
جمهوری اسلامی ایران!